

ارزیابی نهضت فمینیسم

به نظر می‌رسد، اساساً ظهور پدیده‌ای به نام «فمینیسم» در جوامع غربی، نشانه‌ای از ضعف فرهنگ و تمدن غربی و بیانگر اوج نارسایی فرهنگ و تمدن دست‌ساز بشری است. این نهضت ابتدا در جوامع غربی و سپس به تقلید از آن، در جوامع شرقی آثار و پیامدهای مثبت و منفی بسیاری از خود به جای گذاشته است.

متأسفانه بزرگ‌ترین دستاورد این نهضت اشاعه‌ی آن از جوامع غربی به دیگر جوامع و شکل‌گیری فرهنگ جهانی غربی بوده است. تأثیرپذیری زنان در جوامع جهان سوم از فرهنگ و تمدن غرب، به تدریج، جای خود را به الگوگیری و تقلید کورکورانه از فرهنگ غربی داده است.

فرایند تأثیرپذیری جامعه‌ی ایران از فرهنگ غربی و تأکید بر شعارهای فمینیستی پس از انقلاب از اهداف بلند استعمار بود، اما این امر با وقوع انقلاب اسلامی در ایران کاملاً متوقف شد. متأسفانه اینک پس از گذشت دو دهه از انقلاب اسلامی، خودباختگان و مقلدان فرهنگ و تمدن غربی در عرصه‌های جدید، دقیقاً شعارهای

فمینیست‌های افراطی را با آب و تاب هر چه تمام‌تر تکرار کرده و تبعیض‌های رواداشته نسبت به زنان را مانع تحقق جامعه‌ی مدنی می‌پندارند! (۱) در این زمینه، ذکر نتیجه‌ی یک مطالعه در خصوص ترویج آراء و افکار فمینیستی در جامعه‌ی کشورمان جالب توجه است:

در یک مطالعه در زمینه‌ی مسائل گوناگون مربوط به زنان در روزنامه‌ها و نشریات سال هفتاد و شش، عمدتاً مطالب ذیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است:

- بزرگ‌نمایی تعارضات زنان و شوهران؛

- ادعای حاکمیت مردسالاری در جامعه‌ی ایران؛

- ادعای خشونت و ظلم علیه زنان؛

- وسیله بودن زن برای کام‌جویی‌های مردانه؛

- پست جلوه دادن کارهای خانه؛

- هجوم وسیع به قوانین جزایی و

حکومتی در زمینه‌ی حقوق زن و خانواده؛

- غیر اسلامی جلوه دادن بسیاری از

دستورات دینی و قوانین برگرفته از شریعت؛

- و سرانجام، ملازمه میان آگاهی و دانش

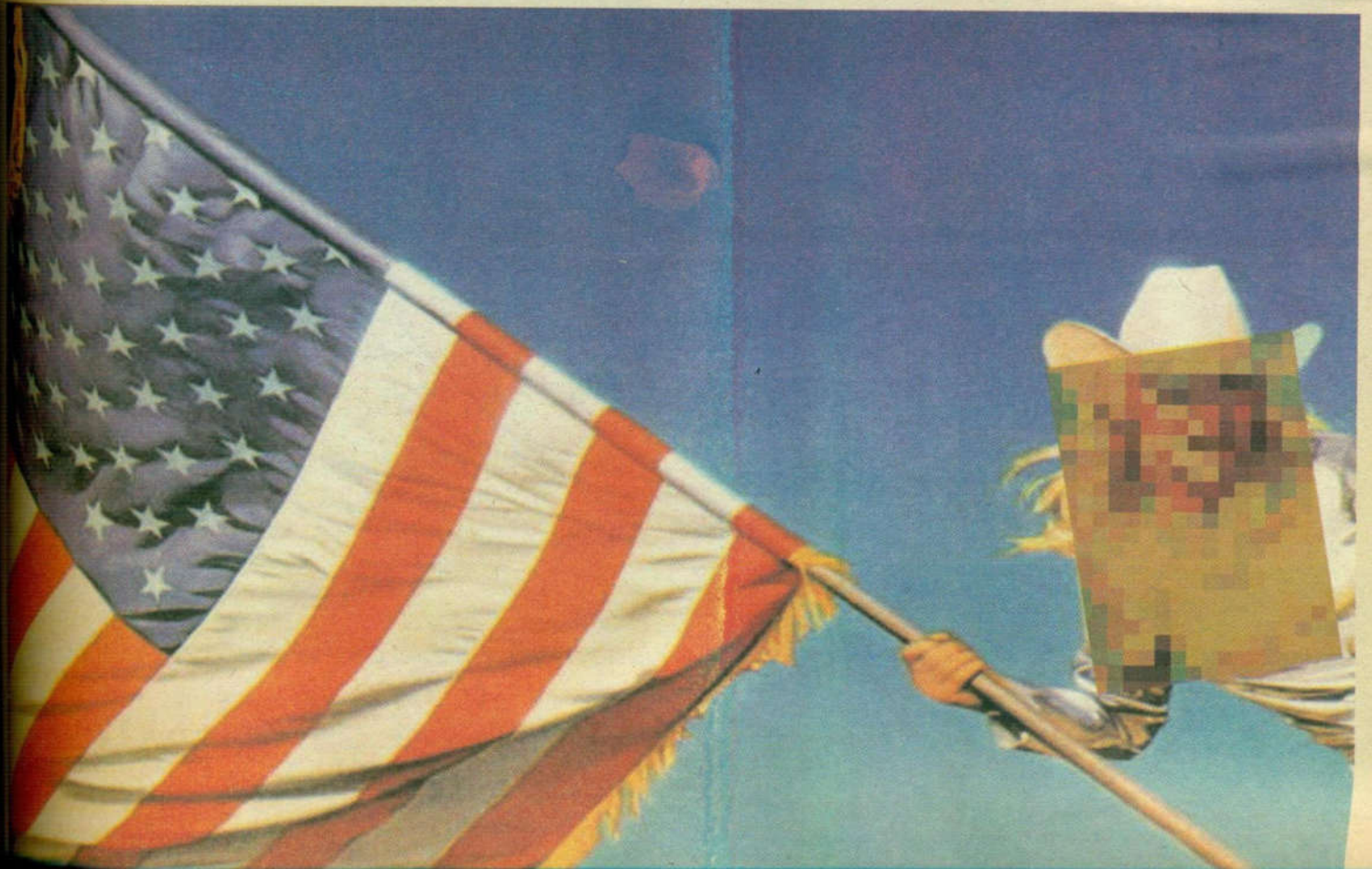
زنان با نفی خانه‌داری و خروج از خانه. (۲)
به هر حال، فارغ از تأثیرات منفی که جنبش فمینیستی در جوامع شرقی و اسلامی از خود بر جای گذاشته است؛ فمینیسم، علی‌رغم همه‌ی کاستی‌هایش، مزایا و موفقیت‌هایی را نیز برای زنان جوامع غربی در پی داشته است که از آن جمله، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

زنان جوامع غربی که تا چند دهه پیش، از ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی از جمله حق مالکیت و ارث محروم بودند، در پرتو این نهضت، جایگاه نسبی و ابتدایی خود را بازیافتند و امروزه دست کم به آنان هم‌چون انسان نگریسته می‌شود. از جمله موفقیت‌های نهضت فمینیستی، کسب استقلال نسبی اقتصادی زنان و حضور آنان در عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی و دوشادوش مردان، ایجاد حس اعتماد نسبت به زنان به عنوان یک قدرت اقتصادی و سیاسی و حضور در عرصه‌های علمی و فرهنگی و نیز مشارکت سیاسی آنان در کسب حق رأی از جمله پیامدهای مثبت جنبش‌های فمینیستی در جوامع غربی برای زنان بوده است.

زنانی که می‌خواهند مرد شوند!

قسمت آخر

نیم‌نگاهی به فمینیسم



این همه، جنبش فمینیستی دارای
ی‌های فراوانی است و نه تنها موجب
حقوق و منزلت زنان نگردیده، بلکه
پ پیامدهای ناگواری برای آنان شده
در ذیل، به نمونه‌هایی از پیامدهای
جنبش فمینیستی اشاره می‌گردد:

۱- همان‌گونه که گذشت، هیچ‌گونه وفاق
کی در خصوص اندیشه‌ی فمینیسم
ندارد و تفاسیر و نظریات در این زمینه
شیعی دارد؛ مثلاً، ماری لوئیز جاسن
سم را «مبارزه علیه سکسیسم» می‌داند،
سالی که سیمون دوبوار فمینیسم را
زه برای رسیدن به خواست‌های ویژه‌ی
تفسیر می‌کند. بنابراین، بر خلاف
دهی بسیاری، فمینیسم فاقد نوعی
آیینی منسجم و هر نوع اصول و
های ثابت است.^(۳) زنان جوامع شرقی
تبع و تقلیدگونه از آنان این مبارزات را
کردند.

۲- متأسفانه امروزه و در عصر
گرایی (پست مدرنیسم)، به رغم بهبود
نسبی زنان نسبت به گذشته، زنان به
ی دیگر عصر برده‌داری نوین را طی
ند و وضعیت آنان در جوامع مدنی
بسیار رقت‌ناز است. زنان غربی هنوز
ان کالای جنسی در تبلیغات سینمایی،
پوئی و مطبوعاتی به شمار می‌آیند و از
به عنوان ابزاری برای فروش کالاها
می‌جویند. این زنان ابزار توسعه‌ی
دی و جذب سرمایه‌های داخلی و
ی جوامع غربی‌اند، نه موجودی

در جوامع غربی با شعار استقلال،
و کسب قدرت زنان در قالب فمینیسم
فق نسبی آن، امروز، اساس بنیان
فروریخته و ازدواج‌های غیررسمی
های مکرر و فراوان بنیان فرهنگ و
غربی را متزلزل ساخته است.

۳- گرچه فمینیسم، مبارزه با تحقیر زنان
شزی است، اما این نهضت امروزه،
تحقیر زن می‌پردازد. شوهرداری،
فرزندزایی و شیردهی، که از کمالات
رات زنان محسوب می‌شد، امروزه از
فمینیست‌ها به شدت مورد حمله قرار

۴- فمینیسم با شعار «آزادی زن» پا به
گذشت، ولی با تحقق نسبی آن،
به در عرصه‌ی رسانه‌های جمعی
بون سینما، تلویزیون و مطبوعات
ب شده است که روابط درونی
دها به نوعی به اشاعه‌ی فرهنگ بی‌بند
ی و ولنگاری کشیده شود و فحشا و
اجتماعی را پدید آورد و تأثیرات بسیار
ی بر نظام خانواده از خود بر جای
نارد. در واقع، آزادی زنان در این
ها، موجب اشاعه‌ی سکسیسم شده

در چند از جمله شعارهای مهم

برای جوامع غربی هستند. توسعه‌ی اقتصادی و جلب سرمایه‌های کالای جنسی به شمار می‌آید و ابزار زنان غربی

۹- زنان پس از تحقق شعار استقلال
اقتصادی، روانه‌ی بازار کار شدند. آنان به
دلیل وضعیت خاص خود، فقدان توانایی
لازم برای شرایط دشوار کاری، آسیب‌پذیر
بودن، محدودیت جسمی و ناتوانی در انجام
کارهای سخت، آسیب‌های جبران‌ناپذیری
را متحمل شده‌اند که علاوه بر کاهش متوسط
عمر آنها، امروزه نه تنها اشتغال آنان
مشکلی را حل نکرده، بلکه به دلیل تحمیل
هزینه‌های جانبی بر آنها از جمله خروج
زنان از منزل و نیاز به استخدام کسان دیگری
در حضانت فرزندان خردسال و انجام
کارهای مربوط به خانه، مشکلات
اقتصادیشان دو چندان شده است.

۱۰- با تحقق شعار فمینیستی مبنی بر
این که زنان نیز باید دوشادوش مردان روانه‌ی
بازار کار شوند، به طور معمول زنان شاغل
در بازار بین چهل تا پنجاه درصد که در شهر
زندگی می‌کردند، مجرد بودند و جز نیروی
کار خود چیزی برای اعاشه نداشتند و
بسیاری به علت نداشتن کار، به فحشاء پناه

فحشا سرنوشت محتوم زنان فمینیست در جوامع مدنی غربی است.

از جمله شعارهای مهم فمینیسم رهایی زنان از خانه داری، شوهرداری و کسب استقلال اقتصادی و اشتغال زنان بوده است.

برده بودند. تعداد این زنان در قرن نوزده در
پاریس و لندن بین چهل تا هشتاد هزار نفر
بودند.^(۴)

بنابراین، هر چند به ظاهر زنان به اشتغال
روی آوردند، اما عملاً پس از اندک زمانی
مجدداً با مزد کم، بی‌کاری، دشواری‌های
کار، و سرانجام فحشاء سرنوشت محتوم
زنان فمینیست در جوامع مدنی غربی بود.

۱۱- سرانجام این که امروزه تبعیض
جنسی و شعار «دفاع از حقوق زنان» به
حرابه‌ای سیاسی تبدیل شده است و
کشورهای استعمارگر به بهانه‌ی از میدان به در
کردن رقبای خود، آنها را به نادیده گرفتن
حقوق زنان و نقض «دموکراسی» متهم
می‌کنند!

پی‌نوشت‌ها

- ۱- برای نمونه، ر. ک. به: مهوش قهرمانی، «جامعه‌ی
مدنی و خانواده»، مجله فرهنگ توسعه، اسفند ۷۶
- ۲- تازه‌های اندیشه، همان، ص ۸۱

اشتغال زنان بوده است، اما امروزه زنان فقیر،
که معمولاً در جوامع غربی حجم بالایی از
جمعیت را تشکیل می‌دهند، برای کسب
استقلال اقتصادی از سوی خانواده‌های
ثروتمند، برای حضانت فرزندان آنها به
استخدام درمی‌آیند و مجدداً در عمل آنان به
تربیت و حضانت فرزند و خانه‌داری روی
آورده‌اند.

۷- از دیگر پیامدهای منفی نهضت
فمینیسم، ایجاد تقابل و تضاد شدید میان مرد
و زن است. توجه نکردن به فلسفه‌ی
آفرینش زنان و تفاوت‌های فیزیولوژیکی و
زیستی آنان، که در واقع، موجب کمال آنها
و نوعی حکمت است، موجب گردیده
فمینیست‌ها تصویری خشن، سلطه‌گر و
خشونت طلب از مرد ارائه دهند و در صدد
مبارزه با آن برآیند. این خود زمینه‌ی بروز
ناهنجاری و نزاع‌های خانوادگی و نیز تزلزل
بنیان خانواده و وقوع طلاق‌های فراوان و
وجود زنان و مردان مجرد را موجب شده
است.

۸- تزلزل بنیان خانواده و پیدایش
فرزندان پرخاشگر و بی‌عاطفه، از دیگر
پیامدهای منفی این نهضت است؛ فرزندان
که هرگز دامن گرم و پر محبت مادران را
احساس ننموده‌اند. والدین آنها نیز با
ازدواج در سنین بالا، مسؤولیت‌گریزی در
انجام وظایف مربوط به خانه از سوی زنان و
نیز ازدیاد طلاق، کاهش میزان ازدواج، رها
کردن فرزندان در سنین طفولیت و سیردن